

اصول و روش‌های تربیتی مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های اسلامی

فاطمه داداشی *

حجت صفارحیدری **

حکیمه السادات شریف زاده ***

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۱۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۸

چکیده

مسئولیت‌پذیری از آموزه‌های مهم ادیان الهی به‌ویژه دین اسلام است. دامنه مسئولیت‌پذیری در اسلام حوزه وسیعی را شامل می‌شود. یک انسان مسلمان، در قبال خدا، خود، جامعه و محیط‌زیست مسئول معرفی شده است. بر همین اساس، این پژوهش به بررسی حیطه‌ها، اصول و روش‌های ترویج مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های اسلامی اختصاص یافته است. برای این کار، ابتدا مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یک هدف میانی به چهار قلمرو: مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند، خود، جامعه و محیط‌زیست بخش گردید و به کمک الگوی فرانکنا-روش قیاسی - اصول و روش‌های تربیتی برای هر قلمرو استنتاج شده است. در این تحقیق از روش تحلیلی و استنتاجی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل منابع دست‌اول چون قرآن و کتب احادیث بوده است و به فراخور نیاز از منابع دست دوم نیز استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحقق مسئولیت‌پذیری در شاگردان، نیازمند وضع اصول و روش‌های متناسب با آنهاست. در این تحقیق متناسب با ۴ حیطه مسئولیت‌پذیری ۱۰ اصل و متناظر با آن ۱۰ روش تربیتی، پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت‌پذیری؛ تربیت؛ اصول؛ روش؛ اسلام

* دانش‌آموخته رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه مازندران

Hsheidari777@gmail.com

** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

*** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

مقدمه و بیان مسئله

مسئولیت‌پذیری همواره یکی از اهداف اصلی نظام‌های تربیتی بوده است. توجه به این هدف در عصر ما که ابعاد مسئولیت‌پذیری، دامنه گسترده‌ای یافته و از مرزهای ملی نیز فراتر رفته است، اهمیت بیشتری دارد. با این همه، به نظر نمی‌آید که در عصر سکولار کنونی این توجه، آن جامعیتی را که انتظار می‌رود تا همه ابعاد فردی و اجتماعی را دربرگیرد، به دست آورده باشد. به سخن دیگر، با افول معنویت‌گرایی دینی و ازدست‌رفتن مرکزیت خدااباوری در تمدن جدید به همه وظایفی که انسان برعهده دارد و جزو مسئولیت‌های او به حساب می‌آید، توجه نشده است. این در حالی است که در ادیان توحیدی به‌ویژه در تعالیم اسلامی ما با نوعی از جامعیت مسئولیت‌ها مواجهیم. مسئولیت‌پذیری و تعهدی که فرد مسلمان نسبت به خدا، خود، جامعه و طبیعت دارد، تنها در توصیه‌های اخلاقی و یا اجتماعی نیست، بلکه از وجهی هستی‌شناسانه برخوردار بوده و با فرارفتن از صرف کنش‌های انسانی بر بنیاد ساختار هستی قرار می‌گیرد. از منظر دینی، یکی از ویژگی‌های برجسته انسان مؤمن، داشتن احساس و روحیه مسئولیت‌پذیری اوست؛ ویژگی‌ای که باید از طریق تربیت، فعلیت و تحقق یابد. دامنه مسئولیت‌های انسان مؤمن، گسترده است. او نه تنها در قبال خداوند و جامعه مسئول است، بلکه در برابر خویش و حتی محیطی که در آن زندگی می‌کند، نیز مسئول است. شاید در مقایسه با اسلام کم‌تر دینی وجود دارد که در آموزه‌های خود، اینچنین درباره مسئولیت‌های انسان، سخن گفته شده باشد. آیات و روایات بسیاری که در مقاله تنها به بخشی از آنها اشاره می‌شود، خود گواهی است از اهمیت این موضوع. باین حال، مسئولیت‌هایی که برعهده هر انسان مسلمان است با توانایی‌های او تناسب دارد. از این‌روست که حضرت علی(ع) می‌فرماید: به آنچه نسبت به آن مسئولیت داری، مشغول باش و در سخن دیگر می‌فرماید: از آنچه برعهده تو نیست، مپرس؛ زیرا همان چیزهایی که هست، برای مشغول‌کردن کافی است (اسحاقی، ۱۳۸۶: ۱۴۹ - ۱۵۰). قبول مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است. «هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بردوش نمی‌کشد» (مکارم، ۱۳۶۶، ج ۱۸: ۲۲۴). انسان در محل کار و زندگی خود، نسبت به همکار، همسایه، خانواده، جامعه، حکومت و خلاصه همه کسانی که به‌نوعی در طول شبانه‌روز و به هر اندازه که با آنها ارتباطی دارد، دارای مسئولیت است. آیات قرآن نیز بسیار به آن اشاره دارد و با سخن از رستاخیز انسان‌ها و لحظات پاسخگویی افراد، امر الهی را بازگو می‌نماید که «بازداشتشان کنید که آنها نسبت به خود و دیگران مسئولند و باید پاسخگو

باشند.^۱ (صافات/۲۴). جهان‌بینی اسلامی برای انسان مسئولیت ایجاد می‌کند. برای همین به حیات و زندگی روح و معنا و هدف می‌بخشد و در نتیجه انسان را در مسیری کمالی قرار می‌دهد که در هیچ حد معینی متوقف نمی‌شود. همچنین به انسان نشاط و دلگرمی عرضه می‌دارد و از این رو تنها جهان‌بینی است که در آن تعهد و مسئولیت افراد در قبال یکدیگر مفهوم و معنا پیدا می‌کند. (مطهری، ۱۳۵۹: ۱۸). روح انسانی، گوهر شریفی است که ظرف تعهد و مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌کند این استعداد از طریق توانایی عقلانی و اختیار و آزادی حاصل می‌شود که از قوای مهم نفس انسانی‌اند. انسان چون ابزارهایی مثل عقل و اختیار دارد، مسئولیت‌پذیر است (مکارم، ۱۳۶۶، ج ۱۷: ۴۸۲). از نظر مصباح یزدی (۱۳۸۰) مسئولیت‌پذیری، در دو حوزه مربوط به گذشته و مسئولیت مربوط به آینده مورد توجه قرار می‌گیرد. مسئولیت مربوط به گذشته ناظر بر کارهایی است که فرد در گذشته انجام داده یا از انجام آنها سرپیچی کرده است و مسئولیت نسبت به آینده ناظر بر وظایفی است که شخص در آینده باید انجام دهد. لذا مسئولیت دارای دو مرحله: خواست (مسئولیت نسبت به آینده) و بازخواست (مسئولیت به گذشته) است. مسئولیت نسبت به مرحله خواست و بازخواست، دارای سه شرط است: ۱. قدرت و توانایی، ۲. علم و آگاهی، ۳. اختیار و اراده آزاد (مصباح، ۱۳۸۰: ۱۲۰ - ۱۲۱). به نظر او تخطی از مسئولیت اخلاقی، مستوجب مجازات است. برای برخی مسئولیت‌ها همچون مسئولیت در برابر خداوند، مجازاتی وجود دارد که نتیجه آن مجازات و کیفر اخروی است (مصباح، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

در آموزه‌های اسلامی، مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یکی از اهداف بنیادین تربیتی، از لوازم تداوم حیات اجتماعی محسوب می‌شود. آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در این زمینه رسالتی مهم برعهده دارد. آماده کردن دانش‌آموزان برای پذیرش مسئولیت‌های گوناگون فردی و اجتماعی از جمله مأموریت‌های نهادهای آموزشی در جامعه دینی است. تحقق چنین کاری، مستلزم توجه به دو نکته است: از یک سو باید بنیان‌های نظری آن روشن شود و از سوی دیگر، برای فعلیت‌بخشیدن روح مسئولیت‌پذیری در نسل جوان اصول و روش‌های تربیتی آن تعیین و مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، هدف اصلی نگارش این مقاله نوعی کوشش نظری و فکری، برای استنتاج اصول و روش‌های مسئولیت‌پذیری در نظام تربیت دینی است. آنچه در این مقاله بیش از همه مورد تأکید است استنتاج روشمند اصول و روش‌های تربیتی است. اگرچه پژوهشگران به این

نکته واقف هستند که اصول و روش‌های تربیتی ارائه شده به معنای آن نیست که امکان استنتاج آنها به صورت یا صورت‌های دیگری وجود ندارد. به خوبی آشکار است که با تغییر در محتوای قیاس‌های عملی می‌توان اصول و نیز روش‌های تربیتی متفاوتی را استنتاج کرد. همچنین شمار اصول و روش‌های پیشنهادی نیز می‌تواند بیش از تعدادی باشد که در این نوشته آمده است. با این وجود، برای نشان دادن چگونگی انجام کار ابتدا چهارچوب مفهومی مسئولیت‌پذیری در چهار حیطه مورد بحث قرار گرفته و سپس متناسب با هر حیطه، اصول و روش‌های تربیتی استنتاج شده است.

این نکته روشن و بدیهی است که بقای هر جامعه‌ای به وجود انسان‌های مسئول در آن جامعه وابسته است. تربیت انسان‌های مسئول نیز از جمله وظایف نظام‌های آموزشی است. جامعه اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. همان‌گونه که در این پژوهش نشان داده شده است، آیات و روایات گوناگون به اهمیت و ضرورت وظایف و مسئولیت‌هایی که هر مسلمانی برعهده دارد، اشاره می‌کند. با این همه، به نظر می‌آید که در جوامع اسلامی کم‌تر به این آموزه‌ها توجه می‌شود. به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود آیات و روایات بسیار در این زمینه، نظام‌های آموزشی اسلامی قادر به نهادینه کردن این دسته از ارزش‌ها در دانش‌آموزان نیستند. درحالی که بخش از این ناتوانی به عوامل اجرایی مربوط است، به نظر می‌رسد که تأملات نظری کافی درباره اصول و روش‌های تربیت مسئولیت‌پذیری نیز ضروری است. به سخن دیگر، هرگونه تلاش برای تربیت انسان‌های مسئول در یک جامعه اسلامی، در گام نخست متضمن آن است که به روشنی اصول و روش‌هایی که راهنمای عمل تربیتی هستند، تعیین و مشخص شده باشند. پژوهش حاضر را می‌توان در زمره کوشش‌های نوع اخیر قلمداد کرد.

هدف اساسی این پژوهش، استنتاج اصول و روش‌های تربیت مسئولیت‌پذیری براساس آموزه‌های اسلامی است. در این پژوهش درحالی که در استنتاج اصول و روش‌ها از روش قیاسی - قیاس عملی - استفاده شده است، محتوای قیاس‌ها را آیات و روایات و یا تفاسیر مرتبط با آنها تشکیل داده است. براین اساس، متناسب با هدف پژوهش دو پرسش زیر طراحی و کوشش شد به آنها پاسخ داده شود:

۱. از آموزه‌های اسلامی چه اصولی را می‌توان برای تربیت مسئولیت‌پذیری استنتاج کرد؟

۲. متناسب با اصول استخراج شده چه روش‌هایی تربیتی را می‌توان استنتاج کرد؟

چارچوب مفهومی

باتوجه به آیات و روایاتی که درباره مسئولیت‌پذیری وجود دارد، دست‌کم می‌توان آن را، به‌عنوان یک هدف تربیتی میانی، به چهار مقوله یا حیطه تقسیم کرد که عبارتند از: مسئولیت انسان در برابر خدا، در برابر خود، در برابر جامعه و در برابر طبیعت و یا محیط‌زیست. دسته‌بندی مذکور براساس تلقی مؤلفین این مقاله و به استناد آیات و روایات مورد مطالعه، انجام گرفته است. در ادامه هر یک از این حیطه‌ها مورد بحث قرار گرفته و در ذیل هر مقوله اصول و روش‌های تربیتی آن نیز آورده می‌شود.

مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند

در تعالیم اسلامی بزرگترین مسئولیت انسان در برابر خداوند است، زیرا انسان، عالی‌ترین مخلوق الهی است و خلقت او نیز براساس طرح و نقشه‌ای انجام گرفته است. از این‌رو، او خلیفه الهی خوانده شده و رسالت او عبادت خداوند است. بر همین اساس است که هدف غایی تربیت را نیل به مقام عبودیت دانسته‌اند (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۴). این هدف‌مندی در قرآن کریم چنین بیان شده است: «جن و انس را خلق نکردیم مگر برای عبادت»^۱ (ذاریات/۵۶). تعهد انسان در برابر خداوند ریشه در وضعیت خاص خلقت یا همان فطرت او دارد. با این حال، چنین تعهدی کورکورانه و از سر ناآگاهی نیست. تعهد انسان در مقابل خدا، مربوط به استعداد «شناخت» و آگاهی‌یافتن از «آزادی اراده» و هدایتی است که از جانب خالق به انسان اعطا شده است (رعد/۱۹). کسانی که به عهد و پیمان با خدا وفا کنند و به فرمان حق در راه برقراری عدل و برادری روی زمین جهاد نمایند، هرگز با کسانی که نسبت به حقایق جهان و رسالت خویش کور و بیگانه‌اند، برابر نمی‌باشند (رعد/۲۱ - ۲۰). در همین زمینه روایتی از امام علی(ع) آمده است که ایشان فرموده‌اند:^۲ «و اگر کسی را بر دیگری حقی ثابت است و آن کس را بر وی حقی نباشد، این حق فقط برای خدای سبحان است نه غیر او؛ به‌خاطر احاطه قدرتش بر بندگان و عدالتش در تمام آنچه که فرمانش در آن جاری است، ولی حقیش را بر بندگان چنین مقرر فرمود که او را بندگی کنند و مزد عبادت را

۱ - وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

۲ - وَ لَوْ كَانَ لِأَخِي أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِّهِ سُبْحَانَهُ ذُوْنَ خَلْقِهِ لِقُدْرَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضَائِهِ وَ لِكَيْتَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَ جَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةً الثَّوَابِ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَ تَوْسَعاً بِمَا هُوَ مِنَ الْعَزِيدِ أَهْلُهُ»

برعهده خود، برای بندگان، چند برابر قرار داد به عِلّت تفضّل و کرمی که دارد و افزون‌دهی که شایسته و اهل آن است» (انصاریان، ۱۳۸۸ خ ۲۰۷: ۴۷۲). حضرت امیر(ع) در این روایت تنها خداوند را صاحب حقّ می‌داند که این حقّ همان اطاعت و بندگی خداست.

مسئولیت‌پذیری در برابر خود

انسان نه تنها در برابر خداوند، بلکه در برابر خود نیز مسئول است. زیربنای مسئولیت‌پذیری او عدم غفلت از مقام و موقع خویش و یا به عبارت دیگر "فراموش نکردن واقعیت خویش" است. از دیدگاه قرآن، انسان موجودی دو بعدی؛ یعنی، جسمانی و روحانی است. او از یک سو به واسطه برخوردارگی از بعد روحانی، نیازهای فطرتی دارد و از سوی دیگر، ادامه حیات جسمانی او نیازمند برآوردن نیازهای طبیعی و مادی او است. بنابراین، درحالی که فطرتش او را به سمت معنا و مدارج بالا می‌کشاند، نیازهای طبیعی‌اش او را همنشین ساکنان زمین می‌سازد. آدمی چنان است که در میان این دو قطب در حرکت است و کمال وی نیز به دانستن و برآوردن متناسب و عادلانه نیازهای آسمانی و زمینی او وابسته است. آدمی تا آنجا که موجودی الهی است، امانتدار خداوند بر روی زمین است و براین اساس مسئولیت‌های او نیز بی‌شمار است. خداوند آدمی را معتدل (سوره تغابن/۴)^۱ و به نیکوترین صورت آفرید (سوره تغابن/۳)^۲ آن گونه که پس از خلق او به خود آفرین گفته است^۳ (سوره مؤمنین/۱۴). نخستین این مسئولیت‌ها وظایفی است که در برابر خویش برعهده دارد. انسانی که خداوند او را کریم معرفی می‌کند، باید ابتدا از نظر جسم و روح در سلامت کامل باشد تا بتواند با آرامش و راحتی، فکر و ذهنش را به سمت برقراری این مسئولیت بزرگ رهنمون سازد. از این روست که امام سجاده(ع) از خدا صحت جسمی و نیروی بدنی را می‌خواهد و عرض می‌دارد: «خدایا به من وسعت در روزی [...] و صحت در جسم و قوت و نیرو در بدن عطا کن» (قمی، ۱۳۸۰: ۳۳۹). امام سجاده علیه‌السلام درباره مسئولیت انسان درقبال خویش می‌فرماید: نیروهای خود را تنها در پیروی از روش خدایی به کار گیر و تا آخرین حد توانایی خود، وجودت را به کمال برسان تا اطاعت‌گر خدا باشی و نسبت به هر یک از اعضای خودت که خدا آنها را وسیله کمال تو قرار داده حق آنها را ادا کنی و از خداوند در این راه یاری طلبی (عارفی‌جو،

۱ - لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

۲ - وَصَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَتِكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

۳ - فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

. (۱۳۸۵: ۸).

مسئولیت‌پذیری در برابر اجتماع

در تعالیم اسلامی، انسان در برابر جامعه نیز مسئول است. از یک مسلمان انتظار می‌رود که وظایف خود در برابر دیگران را با نیکی به‌انجام رساند. او باید بکوشد تا در نیکوکاری و پرهیزکاری، دیگران را یاری دهد (ماعدہ/۲)^۱ و از آزردن دیگران با دست و زبان پرهیز کند (کلینی، ۱۳۴۴: ج ۲: ۲۳۵؛ ح ۱۹). مسلمان کسی است که فقرا و محرومان را در زندگی خویش شریک نموده (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۲)^۲، به مسائل دیگر مسلمانان اهمیت دهد (کلینی، ۱۳۴۴: ج ۳: ۲۳۸) و از ظلم کردن در حق دیگران اجتناب کند^۳ (دشتی، ۱۳۹۱، خ/۱۷۵:۲۳۵)، حقی که دیگران بر گردن فرد مسلمان دارند، چنان است که خداوند آن را بر حق خود برتری داده است (ری‌شهری، ۱۳۸۹ ج ۲/ ۴۸۰).

مسئولیت‌پذیری در برابر محیط‌زیست

اسلام به طبیعت و محیط‌زیست اهمیت زیادی داده است. در قرآن کریم، بسیاری از آیات، انسان‌ها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فراخوانده‌اند. خداوند، سرنوشت بشر را به گونه‌ای رقم زده است که در طبیعت رشد کند و طبیعت به شکلی خلق شده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف نماید. خداوند طبیعت را در تسخیر انسان و برای بهره‌برداری در اختیار او قرار داده است و انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که در سرشتش وجود دارد، بهترین بهره‌مندی را از طبیعت ببرد و با خردورزی خود هم از دنیا استفاده نماید و هم مراقبت نماید. در آموزه‌های اسلامی خداوند کریم به طبیعت و عناصر آن و همچنین به فواید و اثرهای آن اشاره و در کنار این اشارات به لزوم حفاظت از آن نیز سفارش کرده است. از جمله:

۱. «و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم»^۴ (حجر/۱۹).

۲. «و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید و از آن خدایی که بدو

۱ - وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَآتُوا عَوْنًا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۲ - فَقَرَأَ الْمُسْلِمِينَ أَشْرِكُوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ

۳ - أَمَّا الظُّلُمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

۴ - وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَلْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ

ایمان دارید، پروا کنید»^۱ (ماعدہ/۸۸).

۳. «اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست»^۲ (جمعه/۱۰).

۴. «و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است، به بازیچه نیافریدیم»^۳ (انبیا/۱۶).

۵. «هیچ وقت آب را هدر نده؛ حتی اگر کنار نهر آب باشی» (کلینی، ۱۳۴۴ ج/۳: ۲۲).

۶. «خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت»^۴ (هود/۶۱).

۷. «ما هر چیزی را به اندازه خلق کردیم»^۵ (قمر/۴۹).

۸. «فساد بر صفحه دریا و صحرا بر اثر اعمال مردم آشکار گشت. خدا می خواهد نتیجه سوء پاره‌ای از اعمال مردم را به آنها بچشاند، شاید باز گردند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ج/ ۱۵: ۳۳۳).

احادیث فراوانی تأکید بر اخلاق زیست محیطی و حمایت از محیط زیست دارد. مانند روایتی از پیامبر اکرم (ص) که دین اسلام را دین پاکیزگی معرفی می کند و ضمن اینکه پاکیزگی دستور همگانی برای مردم تلقی شده، بهشت را نیز که مظهر پاکیزگی است، مختص به پاکیزگان دانسته است (حیدری، ۱۳۷۹ ج ۲: ۹۹۸). همچنین درختکاری، ایجاد فضای سبز و آب روان مورد تأکید آموزهای دینی بوده و مسلمانان به انجام وظایف خویش در قبال آنها تشویق شده‌اند. براساس روایتی از پیامبر اکرم (ص) سه چیز سبب روشنی چشم دانسته شده است: نگاه به فضای سبز، آب جاری و روی نیکو (همان، ۱۳۹۲ ج/ ۱: ۲۹۲). در روایت دیگر، کاشتن درخت و جاری ساختن قنات و... در ردیف تعلیم دانش و ساختن مسجد شمرده شده است (همان، ۱۳۹۷ ج/ ۱: ۴۹۷). همه این موارد نشان از نگاه ژرفی است که دین اسلام به انسان و محیط اطرافش دارد و در قبال آن از انسان‌ها می خواهد که براساس امانتی که پذیرفته‌اند، عمل نمایند، زیرا روزی باید پاسخگو باشند.

۱ - وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْكُمْ بِمُؤْمِنُونَ

۲ - "... وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ..."

۳ - وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعَابِينَ

۴ - هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

۵ - نَأْتِي كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَنَا بِقَدَرٍ

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت در زمره پژوهش‌های کیفی قرار دارد. یکی از روش‌های پژوهش کیفی در قلمرو فلسفه تربیت روش قیاسی - استنتاجی است. کیفی‌بودن پژوهش از آن روست که به مطالعه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع می‌پردازد و استنتاجی است چون تلاش شد تا اصول و روش‌های تربیت مسئولیت‌پذیری از گزاره‌های دینی - آیات قرآن کریم و روایات ائمه (ع) - استنتاج شود.

در توضیح درباره روش استنتاجی می‌توان گفت که در پژوهش‌های فلسفی و فلسفه تعلیم و تربیت از این روش چه در ساحت نظری و یا ساحت عملی استفاده می‌شود. از آنجا که تربیت نوعی کنش معطوف به هدف است و در نتیجه در آن تحقق ارزش‌ها حائز اهمیت است، استفاده از الگوی استنتاجی می‌تواند در تعیین اصول و روش‌های عملی تربیتی مفید فایده باشد. بر این اساس، پژوهشگران در این مقاله از الگوی فرانکنا استفاده کرده‌اند. در این الگو، برای استنتاج اصول و روش‌های تربیتی از دو نوع گزاره‌های حنجاری و واقع‌نگر استفاده می‌شود. گزاره‌های حنجاری تجویزی‌اند. این گزاره‌ها سه نوع هستند. گزاره‌های مربوط به اهداف تربیتی، گزاره‌های مربوط به اصول و گزاره‌های مربوط به روش‌هایی که باید در تعلیم و تربیت به کار روند. گزاره‌های واقع‌نگر که توصیفی‌اند، مشخص‌کننده روابط و مناسبات واقعی میان امور هستند. این گزاره‌ها خود بر دو نوعند. اول گزاره‌هایی که بیانگر لوازم نائل‌شدن به اهداف یا پیروی اصول هستند، به این معنا که کدام دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی برای رسیدن به هدف و یا عمل به یک اصل، لازم و مناسبند. دوم گزاره‌هایی هستند که بیانگر روش‌های مفید و مؤثر برای کسب دانش و نگرش و مهارت‌ها هستند. بنا بر الگوی مذکور، برای استنتاج یک اصل تربیتی باید گزاره واقع‌نگر به گزاره هدفی اضافه شود. به این طریق با روش قیاسی از این دو گزاره یک اصل تربیتی حاصل می‌شود. همچنین برای دست‌یافتن به یک روش تربیتی نیز باید گزاره واقع‌نگر روشی به گزاره بیانگر اصل تربیتی افزوده شود (باقری، ۱۳۸۹: ۱۱۰ - ۱۲۹). جامعه آماری مورد استفاده در این مقاله شامل تمامی منابع دست‌اول مانند قرآن کریم، نهج‌البلاغه و کتب حدیث است که در دسترس محقق قرار دارد. همچنین آنجا که نیاز بوده از منابع دست دوم، همچون تفاسیر، کتب و مجلات چاپی و الکترونیکی نیز استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

اصول و روش‌های مسئولیت‌پذیری انسان در برابر خداوند

اصل تربیتی اول: اصل آگاهی در عبادت

همان‌گونه که گفته شد، ارزش عبادت در آموزه‌های اسلامی به میزان آگاهی عابد بستگی دارد (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۹) و نقش تعلیم و تربیت دینی نیز فزونی‌بخشیدن به آگاهی دانش‌آموزان نسبت به عبادت است. برای تحقق این هدف می‌توان اصل زیرا را استنتاج نمود. برای این کار از دو گزاره هنجاری و واقع‌نگر به شرح زیر استفاده می‌شود.

گزاره هنجاری: عبادت کردن خداوند یک تکلیف دینی است.

گزاره واقع‌نگر دینی: عبادت از نظر اسلام با آگاهی همراه است.

اصل تربیتی: مرتبی باید آگاهانه به عبادت خداوند پردازد.

روش تربیتی: حضور و توجه قلبی

عبادت هنگامی می‌تواند از لحاظ دینی ارزشمند باشد و اصل مترتب بر آن نیز زمانی هدایت‌گر است که با حضور قلب همراه شود. به سخن دیگر، در لحظه عبادت، آگاهی بدون حضور و التفات به آنچه گفته و یا اجرا می‌شود، فاقد ارزش تربیتی است و در واقع، خود نوعی نقض غرض تلقی می‌شود. در حدیثی از پیامبر اکرم نقل شده است که «آنچنان خدا را عبادت کن که گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، بدانی که او تو را می‌بیند» (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱: ۵۵۳). برای استنتاج روش تربیتی از دو گزاره اصلی و روشی - توصیفی به شرح زیر استفاده شده است.

اصل تربیتی: مرتبی باید آگاهانه به عبادت خداوند پردازد.

گزاره روشی توصیفی: عبادت آگاهانه در پرتو حضور قلب و توجه به دست می‌آید.

روش تربیتی: مرتبی باید با حضور قلب و توجه به عبادت خداوند پردازد.

اصل تربیتی دوم: اصل آزادی در عبادت

نه تنها در تعالیم اسلامی، عبادت عملی آگاهانه تلقی شده است، بلکه اختیار نیز از لوازم آن است. اجبار در عبادت، ارزش تربیتی و انسان‌ساز آن را از میان می‌برد. آیه «در دین هیچ اجباری نیست»^۱ (بقره/۲۵۶) اهمیت اختیار آدمیان را در عبادت و حتی فراتر از آن انتخاب دین، نشان

می‌دهد. توجه به این توانمندی موجب می‌شود فرد با تمام وجودش احساس کند در انتخاب مسیرها، انجام افعال و تحقق سرنوشت خویش، آزاد است و می‌تواند براساس خواسته‌ها و تصمیمات خود اقدام کند. «در دین هیچ اجباری نیست (چراکه راه) هدایت از گمراهی مشخص شده است و نیز اعتقاد و ایمان، از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد، چون علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج/ ۲: ۵۲۳). از این روست که در آیه سوم سوره انسان آمده است: «ما راه را نشان دادیم، این انسان است که انتخاب می‌کند هدایت را و خدا را شکرگذار است و یا آنکه انتخاب نمی‌کند و خدا را ناسپاس است»^۱ (انسان/۳). استنتاج اصل تربیتی متناسب با آنچه گفته شد را می‌توان به شرح زیر صورت‌بندی کرد:

گزاره هنجاری: در عبادت باید بر اختیار مؤمن تأکید شود.

گزاره واقع‌نگر دینی: عبادتی که فاقد اختیار و یا از روی اجبار باشد، فاقد ارزش تربیتی است.

اصل تربیتی: تربی باید آزادانه به عبادت پردازد.

روش تربیتی: توجه به وسع و توانایی تربی

اصل تربیتی آزادی در عبادت، خود بر واقعیت دیگری نیز استوار است که نادیده گرفتن آن ممکن است به تحمیل کردن وظایف سختی بر شاگردان بینجامد. آن واقعیت مبنای توجه به وسع و توانایی‌های گوناگون شاگردان است. بر این اساس، عبادت با وسع و توانایی آدمی نیز ارتباط دارد. آنکه وسعش بیشتر است، در قیاس با آنکه ناتوان‌تر است، وظایف بیشتری را برعهده دارد و در نتیجه اجر متفاوتی را کسب می‌کند. این نکته مورد توجه خدای متعال بوده است. از این روست که می‌فرماید: «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند»^۲ (بقره/۲۸۴). بنابراین، روش تربیتی زیر را می‌توان استنتاج کرد:

اصل تربیتی: تربی باید آزادانه به عبادت پردازد.

گزاره روشی توصیفی: توانایی انسان نقش مؤثری در کاربرد آزادی او دارد.

روش تربیتی: تربی در عبادت باید برحسب توانایی‌اش از آزادی برخوردار باشد.

اصول و روش‌های مسئولیت‌پذیری انسان در برابر خود

۱ - ا - هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ اِذَا شَاكَرًا وَاِذَا كَفَرًا

۲ - لَا يَكْلَفُ اللّٰهُ نَفْسًا وَاَوْسَعَهَا...

اصل تربیتی اول: آراستن نفس به نیکی‌ها

آنچه از مجموع آیات و روایات دربارهٔ خلقت انسان استفاده می‌شود، برتری و شرافت انسان بر تمام موجودات زمینی و سماوی است. زمینه‌های تکامل انسان، حد و حصر ندارد. نقش تعلیم و تربیت دینی نیز فزونی بخشیدن به آگاهی دانش‌آموزان نسبت به این نکته است که کمال آدمی به میزان تلاش او به تزکیه نفس و پیمودن راه تعالی او بستگی دارد. بر این اساس، فرد باید بکوشد تا موانع بیرونی و درونی را برای تحقق تعالی خویش از پیش پا بردارد. قرآن در این باره می‌فرماید: «و قسم به نفس و آن که آن را نیکو ساخت؛ پس خیر و شرش را به آن الهام کرد؛ [که] هر کس آن [نفس] را پاکیزه ساخت، قطعاً رستگار شد و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً زیانکار شد»^۱ (شمس/۹-۱۰). بر پایه آنچه گفته شد اصل تربیتی زیر را می‌توان استنتاج کرد:

گزاره هنجاری: کمال هر فرد مسلمانی در آراستن نفس به نیکی‌هاست.

گزاره واقع‌نگر دینی: آراستن نفس به نیکی‌ها از طریق تأمل در خلقت خویش به دست می‌آید. اصل تربیتی: متربی را باید با التفات به خلقت خاص خویش به گرایش به نیکی‌ها و پرهیز از بدی‌ها ترغیب نمود.

روش تربیتی: تأمل در خویش

برای تحقق این اصل، دانش‌آموزان از یک سو باید ساختمان جسمی، اعضا و جوارح، نیازهای زیستی خویش را بشناسند و از سوی دیگر به ویژگی‌های ممتاز فکری، اخلاقی و معنوی خود که آنان را از سایر حیوانات متمایز می‌کند، آگاهی یابند. همچنین شناسایی تقابل‌ها میان نیازهای طبیعی و معنوی و کنش و واکنش‌هایی که از ابعاد گوناگون وجودی انسان سر می‌زند، ضروری است. برای انجام این کار مربیان می‌توانند شاگردان را در درس‌های گوناگون با ویژگی‌های جسمانی - زیستی و همچنین با خصایص فکری، اخلاقی معنوی خویش آشنا کنند. چنین کوششی زمینه خودشناسی و شکوفایی ابعاد گوناگون وجودی متربیان را فراهم می‌کند. امیر المؤمنین (ع) در این باره می‌فرماید: «شناخت به وسیله نفس، سودمندترین شناخت است» (خوانساری، ۱۳۴۶: ج/۲: ۲۵). بر اساس مطالب بیان‌شده روش تربیتی زیر را می‌توان استنتاج کرد:

اصل تربیتی: متربی را باید با التفات به خلقت خاص خویش به گرایش به نیکی‌ها و پرهیز از

۱ - وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا. فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا. فَذُوقْ مِنْ ذُكَاہَا. وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

بدی‌ها ترغیب نمود.

گزاره روشی توصیفی: انسان فطرتاً به نیکی‌ها گرایش دارد و از بدی‌های بیزار است.

روش تربیتی: متربی را باید به سوی شناسایی ابعاد فطری خویش هدایت کرد.

اصل تربیتی دوم: اصل توجه به تندرستی

از منظر تعالیم اسلامی تربیت جسم به اندازه تربیت روح با اهمیت است. انسان نه تنها در برابر روح و روان خویش مسئول است، بلکه در برابر جسم خویش نیز مسئول شناخته می‌شود. این توجه به اندازه‌ای است که در احکام فقهی هر عملی که تن را به مخاطره بیندازد و یا به آن آسیب بزند، ناپسند و حرام خوانده شده است. بر همین اساس است که برای حفظ سلامتی تن به تغذیه مناسب و فعالیت‌های ورزشی توصیه شده است. تن سالم، زمینه تقویت روح نیز می‌باشد. پس مؤمن نباید با دست خود، خود را به هلاکت بیندازد. در کلام علی(ع) آمده است «ای پروردگرم اعضا و جوارح را در راه خدمت قوی و نیرومند گردان» (قمی، ۱۳۸۰: ۱۱۶). اصل تندرستی به شرح زیر استنتاج می‌شود:

گزاره هنجاری: حفظ سلامت تن، فریضه‌ای دینی است.

گزاره واقع‌نگر دینی: برای حفظ سلامت تن، عادات و اعمال مطلوب نقش مؤثری دارند.

اصل تربیتی: متربی باید به عادات و اعمال مطلوب اقدام نماید.

روش تربیتی: فعالیت

از جمله راه‌هایی که به سلامت جسم می‌انجامد، فعالیت بدنی است. در متون دینی اصل فعالیت به‌عنوان یک اصل مطلوب در همه زمینه‌ها توصیه شده است، زیرا از منظر قرآن عمل انسان در گرو تلاش و کوشش‌های اوست «و نیست از برای انسان مگر کوشش و تلاشی که انجام داده است و قطعاً ثمره کوشش و تلاش خود را خواهد دید»^۱ (النجم/ ۳۹ و ۴۰). پیامبر گرامی اسلام درباره اهمیت این موضوع فرمودند: «مؤمنی که قوی و نیرومند باشد، از مؤمن ضعیف، بهتر و دوست‌داشتنی‌تر است» (خرمشاهی، ۱۳۹۰: ۶۴۰). باین‌همه در حوزه سلامت تن، فعالیت، ضمن تقویت اندام‌ها و عضلات سبب به تأخیر افتادن تأثیر عوامل بیماری‌زا نیز می‌شود. در اسلام نیز به فعالیت‌های ورزشی، توصیه شده است.

۱- وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ

اصل تربیتی: مرتبی باید به عادات و اعمال مطلوب اقدام نماید.
 گزاره روشی توصیفی: فعالیت بدنی و ورزش سبب سلامت جسمی فرد می‌شود.
 روش تربیتی: مرتبی باید به فعالیت‌های بدنی و ورزش اهتمام ورزد.

اصل تربیتی: تزکیه نفس

در تربیت اسلامی حفظ سلامتی تن اگرچه ضروری است، اما سلامتی روح و روان از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا روح گوهری الهی است و کمال نهایی آدمی در دنیا و آخرت به رشد و شکوفایی آن بستگی دارد. ازسوی دیگر، انسان حامل روح الهی است و ازاین‌رو خویشاوند خداوند است. فراموشی این خویشاوندی مایه خسران بسیار آدمی است.^۱ (طه/۱۲۴) آرامش و یا سلامت روان جز در سایه ایمان و به یاد او بودن میسر نیست^۲ (رعد/۲۸). انسانی که به یاد اوست، نه غمگین می‌شود و نه از چیزی هراسی به دل خواهد داشت (یونس/۶۲)، زیرا یاد او مایه آرامش دل‌هاست. پس باید او را بسیار یاد کرد^۳ (احزاب/۴۱). از بین امکان‌های گوناگون روح می‌توان از فطرت یا خلقت ویژه انسان سخن گفت. آنچه او را شایسته رستگاری می‌سازد، توجه به فطرت است. نیالودن آن به پستی‌ها و زشتی‌ها زمینه نیک‌بختی انسان را فراهم می‌کند. بنابراین، کلیدواژه رستگاری انسان، تزکیه و پالایش روح و روان است^۴ (شمس/۹). اصل تربیتی تزکیه نفس به شیوه زیر استنتاج می‌شود:

گزاره هنجاری: هر مؤمنی باید بکوشد تا نفس خود را کمال بخشد.
 گزاره واقع‌نگر دینی: کمال نفس در گرو پاک‌سازی آن است.
 اصل تربیتی: مرتبی باید بیاموزد نفس خود را از آلودگی‌ها پاک سازد.

روش تربیتی: محاسبه نفس

محاسبه نفس را می‌توان یکی از راه‌های تزکیه نفس دانست. در اینجا منظور از محاسبه نفس،

۱ - «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» هر کس از یاد خدا و ارتباط با او اعراض کند در زندگی دچار تنگنا خواهد شد.

۲ - «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب» همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

۳ - «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید یادی بسیار.

۴ - «قد أفلح من زكاهها و قد خاب من دسها» که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد و هر که آلوده‌اش ساخت قطعاً در باخت.

رسیدگی به اعمال بد به قصد پرهیز از آنهاست. آدمی همواره مستعد آن است که تحت تأثیر میل‌ها به سوی بدی‌ها بگراید و در نظر و عمل، دچار خطا و انحراف شود. بنابراین، مهار نفس از هوا و طغیان، زمینه عمل به مسئولیت‌ها و وظایف است. انسانی که تابع میل‌های خویش است در ایفای وظایف خویش ناتوان است، زیرا عقل وی قادر نخواهد بود وظایف خود را به‌درستی بشناسد (غررالحکم به نقل از باقری، ج ۱: ۲۰۶) و یا در صورت شناخت به آنها عمل نماید. از این رو، مؤمن کسی است که همواره با سنجش اعمال خود می‌کوشد تا از خطا پرهیز نموده و یا در صورت گمراهی از آن راه بازگردد. حضرت امیر یکی از ویژگی‌های اهل ذکر را محاسبه‌گری نفس می‌داند «... که نامه اعمال خود را گشوده و برای حسابرسی آماده‌اند...» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱/خ: ۲۲۲: ۳۲۳). همچنین می‌فرماید: «بندگان خدا! خود را بسنجید قبل از آنکه مورد سنجش قرار گیرید، پیش از آنکه حسابتان را برسند، حساب خود را برسید...» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱/خ: ۹۰: ۱۰۹). روش تربیتی محاسبه نفس به شرح زیر استنتاج می‌شود:

اصل تربیتی: متربی باید بیاموزد نفس خود را از آلودگی‌ها پاک سازد.

گزاره واقع‌نگر روشی: محاسبه نفس یکی از راه‌های پاک‌سازی آن است.

روش تربیتی: متربی باید برای پاک‌سازی نفس خود به محاسبه‌گری بپردازد.

اصل تربیتی: آرامش قلبی (روان)

آرامش قلبی یکی از اوصاف مؤمنان است. مؤمنان کسانی‌اند که دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد^۱ (رعد/۲۸). در یک معنا اینکه یاد خدا سبب آرامش قلب‌هاست حکمی است کلی و شامل همگان می‌شود. باین حال مؤمنان، قدر این گوهر را به‌نیکی می‌شناسند، زیرا آنانند که دائماً در حال ذکر خداوندند و خداوند نیز به‌همین سبب به دل‌های مؤمنان آرامش و طمأنینه می‌بخشد. «اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن خداست»^۲ (فتح/۴). در همین زمینه، امام سجاده (ع) می‌فرماید: «(رعد/۲۸) «خداوند، دل‌ها جز با یاد تو آرام نمی‌گیرد و جان‌ها جز با دیدن تو، به آرامش

۱ - الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. و خدا همواره دانای سنجیده کار است.

۲ - هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْذَبُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛

نمی‌رسد»^۱ (مجلسی ۱۴۰۴. ج ۱۵۱:۹۱). از لحاظ تربیتی یاد خدا بودن چون قطب‌نمایی جهت تربیت را برای رسیدن به سوی اهداف آرمانی و غایی مشخص می‌کند. بر این اساس اصل تربیتی زیر را می‌توان استنتاج کرد:

گزاره هنجاری: مؤمنان کسانی هستند که باید خدا را بسیار یاد کنند.

گزاره واقع‌نگر دینی: انس با خدا سبب آرامش دل‌ها و روح می‌شود.

اصل تربیتی: برای دستیابی به آرامش دل باید زمینه‌های انس متربی را با خداوند فراهم ساخت.

روش تربیتی: ذکر

ذکر خداوند یکی از راه‌هایی است که مؤمنان را با یاد خدا مأنوس می‌کند. در واقع، اهل ایمان اهل ذکرند. امیرالمؤمنین در خطبه ۲۲۲ درباره اهل ذکر، سخنان بسیار عمیق و تأمل‌برانگیزی دارند. در فرازی وی آنان را کسانی معرفی می‌کند که ذکر خدا را به جای دنیا برگزیدند. «همانا مردمی هستند که ذکر خدا را به جای دنیا برگزیدند که هیچ تجارتی یا خرید و فروشی، آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد. با یاد خدا روزگار می‌گذرانند و غافلان را با هشدارهای خود از کیفرهای الهی می‌ترسانند... با آنکه در دنیا زندگی می‌کنند گویا آن را رها کرده و به آخرت پیوسته‌اند... . آنان پرده‌ها را برای مردم دنیا برداشته‌اند، می‌بینند آنچه را که مردم نمی‌نگرند و می‌شنوند آنچه را که مردم نمی‌شنوند» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱ خ/۲۲۲:۳۲۳ - ۳۲۴). با توجه به نقشی که ذکر در ایجاد آرامش قلبی و افزایش ایمان دارد، می‌توان آن را به عنوان روشی تربیتی معرف نمود. روش تربیتی ذکر، به شرح زیر استنتاج می‌شود:

اصل تربیتی: برای دستیابی به آرامش روان باید زمینه‌های انس متربی را با خداوند فراهم ساخت.

گزاره توصیفی روشی: ذکر، یکی از راه‌های یاد خدا بودن است.

روش تربیتی: متربی باید به اهمیت ذکر و نقش آن در آرامش قلبی آگاه شود.

اصول و روش‌های مسئولیت‌پذیری انسان در برابر جامعه

اصل تربیتی اول: کار و کوشش

آیات و روایات گوناگونی بر کوشش و تلاش مسلمانان در انجام وظایف اجتماعی خود تأکید

۱ - الهی ... فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ وَلَا تَسْكُنُ النَّفْسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ.

می‌کنند. به‌عنوان نمونه، بر هر مسلمانی واجب است که برای رفع حوائج مادی جامعه اسلامی بکوشد. مسلمان نباید سربار دیگران باشد و تنبلی را پیشه زندگی خود نماید. او کسی است که از دسترنج خود ارتزاق می‌کند و مایحتاج خود را با کار خویش به‌دست می‌آورد. در این باره پیامبر اسلام فرموده است «ملعون است کسی که خود را بر جامعه تحمیل کند و بدون تلاش بخواهد از جیب مردم بخورد» (حر عاملی، ۱۴۰۵: ج ۱۲/ ۴۳). براین اساس اصل زیر را می‌توان استنتاج کرد:

گزاره هنجاری: مسلمان موظف است در جهت رفع حوائج جامعه اسلامی بکوشد.

گزاره واقع‌نگر دینی: در فرهنگ اسلامی تنبلی و سرباری فرد مسلمان جایز نیست.

اصل تربیتی: متربی باید به اهمیت کار و کوشش در فرهنگ اسلامی آگاه شود و در عمل به آن بکوشد.

روش تربیتی: مشارکت

مشارکت، فرایندی است که در آن همگان در انجام همه اموری که به آنها مربوط می‌شود، با یکدیگر همکاری می‌نمایند (ملک‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷) در آموزه‌های اسلامی نیز بر مشارکت همگانی تأکید شده است. به‌عنوان نمونه، قرآن به این نکته اشاره نموده است: «در نیکوکاری و پرهیزکاری یکدیگر را یاری کنید و در گناه و تجاوز، به یکدیگر یاری نرسانید»^۱ (مانده/۲). براین اساس اصل زیر قابل استنتاج است.

گزاره هنجاری: متربی باید به اهمیت کار و کوشش در فرهنگ اسلامی آگاه شود.

گزاره واقع‌نگر تربیتی: یکی از شیوه‌های تلاش، مشارکت با دیگران است.

اصل تربیتی: متربی باید در انجام فعالیت‌هایش در اجتماع با شیوه‌های مشارکت‌جویی آشنا شود.

اصل دوم: احترام به حقوق دیگران

حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌هایی است که افراد یک جامعه در قبال یکدیگر برعهده دارند (ساعی ارسی، ۱۳۹۱). باین‌حال، مبنای حقوق افراد در جامعه اسلامی به میزان ایمان و اعتقاد دینی افراد بستگی دارد (سجده/۱۸). احترام به حقوق طیف وسیعی را شامل

۱ - تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ

می‌شود. براین اساس، مؤلفه‌های حقوق شهروندی را اینچنین می‌توان برشمرد: دیگرخواهی یا نوع دوستی؛ «[ای مالک] مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش... زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳: ۴۱۷). اعتدال در رفتار؛ «ای زیاد، از اسراف بپرهیز و میانه‌روی را برگزین...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۲۱: ۳۵۷). احترام متقابل؛ «باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند و بزرگسالان شما نسبت به خردسالان مهربان باشند...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۱۶۷: ۲۲۸). رازداری؛ «... زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه که هویداست بیوشانی...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۲۴ و ۲۵: ۳۵۹). آمادگی پذیرش عذر تقصیر؛ «... هنگام گناهش عذر او بپذیر، چنانکه گویا بنده او می‌باشی و او صاحب نعمت توست» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۳۱: ۳۷۱). آمادگی یاری‌رساندن به دیگران؛ همواره در فکر مشکلات آنان [طبقات محروم جامعه] باش و از آنان روی برمگردان... (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳: ۴۱۷). امانت‌داری؛ «یکی دیگر از وظایف الهی، ادای امانت است، آن کس که امانت‌ها را نپردازد، زیانکار است...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۱۹۹: ۲۹۹). عیب‌پوشی؛ «ای بنده خدا، در گفتن عیب کسی شتاب مکن، شاید خدایش بخشنده باشد و بر گناهان کوچک خود ایمن مباش، شاید برای آنها کیفر داده شوی! پس هر کدام از شما که به عیب کسی آگاه است، به‌خاطر آنچه که از عیب خود می‌داند، باید از عیب‌جویی دیگران خود داری کند...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۱۴۰/۴ و ۵: ۲۶۰ - ۲۵۹). وفاداری؛ «ای مردم! وفاه همراه راستی است، که سپری محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن سراغ ندارم. آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد، خیانت و نیرنگ ندارد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۴۱: ۶۵).

گزاره هنجاری: فرد مسلمان باید به حقوق تمامی افراد جامعه احترام بگذارد.

گزاره واقع‌نگر دینی: رعایت حقوق دیگران متضمن برابردانستن آنها با خویش است.

اصل تربیتی: متربی باید بیاموزد که جهت ایفای حقوق دیگران آنان را با خود برابر بداند.

روش تربیتی: عدالت‌ورزی

در تعلیم اسلامی، عدالت‌ورزی بنیان فضایل و از دلایل بعثت پیامبران الهی است. آنچه بقای جامعه را با خطر مواجه می‌سازد، نه کفر، بلکه ظلم است. از این‌روست که برپایی یک جامعه اسلامی به برقراری قسط و عدل وابسته است. بر همین اساس، ضروری است که در مناسبات

اجتماعی میان افراد از ستم و ستمگری پرهیز شود. به‌سخن‌دیگر، لازمه تحقق حقوق و وظایف افراد به استقرار یک نظام عادلانه اجتماعی وابسته است. نظام تربیتی باید بکوشد تا به نوآموزان پیاموزد، اعتدال را ریشه عمل خود سازند. اکنون می‌توان روش تربیتی را به شرح زیر استنتاج کرد:

اصل تربیتی: متربی باید پیاموزد که جهت ایفای حقوق دیگران آنان را با خود برابر بداند.

گزاره واقع‌نگر روشی: عدالت‌ورزی یکی از راه‌های مهم احترام به حقوق دیگران است.

روش تربیتی: متربی باید پیاموزد که نسبت به دیگران به عدل رفتار کند و از ستمگری پرهیزد.

اصول و روش‌های تربیتی مسئولیت انسان در برابر محیط‌زیست

اصل اول تربیتی: احترام به محیط‌زیست

در آموزه‌های اسلامی توجه به طبیعت و حفظ آن به‌عنوان نعمت الهی و زیستگاه انسان حائز اهمیت بسیار است. خداوند زمین را برای آزمودن انسان آفریده است (کهف/۷) و نعمت‌هایش را برای بهره‌برداری آدمی خلق کرده است. چنانکه از امام صادق(ع) نقل شده است، زندگی بدون محیط‌زیست پاک (هوای پاکیزه، آب فراوان و زمین بارور) گوارا و شیرین نمی‌شود (تحف‌العقول، به‌نقل از جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۹۸۷). در قرآن کریم، زمین چون نشانه‌ای از رحمت الهی خوانده شده است که پندآموز است^۱ (روم/۵۰). پیامبر اکرم(ص) درباره اهمیت درختکاری فرمود: «کسی که درخت بیابانی و درخت مورد استفاده انسان را آب دهد، همانند کسی است که انسان مؤمنی را سیراب کرده است» (حر عاملی، ۱۳۸۵ ج/۱۳، ح ۴: ۲۵). از این روست که نیالودن طبیعت و بهره‌برداری درست از آن فریضه‌ای است که هر مرد و زن مؤمن و مسلمانی باید به آن اهمیت دهد. تا آنجا که این مسئله به تربیت اسلامی مربوط است، آموختن بینش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های حفظ محیط‌زیست از اهم موضوعات تربیتی است. بر این اساس، ضروری است که اصول و روش‌های مناسب تربیت محیط‌زیست استنتاج و برای تحقق این هدف به کار گرفته شود. بر اساس آنچه گفته شد از گزاره‌های هنجاری و توصیفی اصل پیشنهادی زیر استنتاج می‌شود:

گزاره هنجاری: متربی باید به حقوق طبیعت و محیط‌زیست احترام بگذارد.

گزاره واقع‌نگر دینی: در تعالیم اسلامی تداوم حیات انسان با حفظ طبیعت و محیط‌زیست پیوند

دارد.

۱ - فَأَنْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ لَكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اصل تربیتی: متربی باید بیاموزد که حفظ و تداوم حیات او به رعایت حقوق طبیعت و محیطزیست وابسته است.

روش: احیای طبیعت

توجه به حقوق طبیعت و محیطزیست از یک سو پرهیز از تخریب و آسیب‌رساندن به آن است و از سوی دیگر، احیای آن؛ بهره‌برداری و تخریب مراتع، جنگل‌ها، رودها و دریاها که به علت غفلت و ناآگاهی انجام می‌شود و یا به قصد سودجویی، نمونه‌هایی از آسیب‌رساندن به طبیعت است. درحالی‌که حفظ منابع طبیعی و تلاش برای گسترش و پاکیزه‌نگه‌داشتن رودخانه‌ها و دریاها و همچنین کاشتن درختان، نمونه‌هایی از رعایت حقوق طبیعت محسوب می‌شوند. پیامد نادیده‌گرفتن حقوق طبیعت، آسیب‌دیدن زندگی خود موجود انسانی است. پیامبر گرامی اسلام چنین کاری را دورشدن از رحمت الهی خوانده‌اند (کافی، به نقل از جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۹۳). از این رو، لازم است که در استفاده از مواهب طبیعی و با محیطزیست از سر مدارا عمل کنیم، زیرا مدارا بنیاد خوبی‌هاست. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «هر کس از مدارا بی بهره باشد، از همه خوبی‌ها بی بهره مانده است» (حرانی، ۱۳۸۵: ۳۹). روش تربیتی متناسب با اصل فوق چنین است:

اصل تربیتی: متربی باید حقوق طبیعت و محیطزیست را رعایت کند.

گزاره روشی توصیفی: احیای طبیعت و محیطزیست یکی از راه‌های حفظ آن است.^۱

روش تربیتی: متربی باید به شیوه‌های احیای طبیعت و محیطزیست آگاهی یابد و به آنها عمل کند.

اصل دوم تربیتی: رعایت اعتدال در استفاده از منابع طبیعی

طبیعت برای پیدایش و بقای موجودات زنده آفریده شده است، لذا حفظ تعادل محیطزیست، یک حق اصیل برای موجودات زنده است. خداوند می‌فرماید: «خلقت بر اساس حق که ملازم عدل است، شکل گرفته است»^۲ (الرحمن/۷). از این رو، تمامی فعالیت‌های محیطزیست را با نظم و هماهنگی و عالمانه انجام می‌دهیم تا تجاوز و تعدی به نظام مقدس آفرینش نباشد. رعایت حدود و سنت‌های الهی و پایبندی به اصول زیست‌محیطی بر پایه آموزه‌های اسلامی، موجب شکوفایی و

۱ - پیامبر اسلام فرمود: هر کس درختی بکارد خدا به اندازه محصول آن برایش پاداش می‌نویسد (الجامع الصغیر، ج: ۲، ۵۱۴ به نقل از جوادی آملی ۱۳۹۱: ۶۸۸).

۲ - وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

طراوت محیط‌زیست و امکان بهره‌مندی حداکثری از طبیعت می‌شود. آن‌گونه که خداوند می‌فرماید: «و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم»^۱ (جن/۱۶). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: انسان‌ها مورد سؤال واقع می‌شوند حتی در مورد زمین‌ها و چهارپایان (کلینی، ۱۳۸۵ ج/۲، ح/۶: ۳۳۱). براساس مطالب بیان‌شده می‌توان اصل تربیتی زیر را استنتاج کرد:

گزاره هنجاری: در استفاده از مواهب طبیعی باید اعتدال را رعایت کرد.

گزاره واقع‌نگر دینی: انسان نسبت به حیات طبیعت مسئول است.

اصل تربیتی: متربی باید بیاموزد که در استفاده از مواهب طبیعی چگونه اعتدال را رعایت کند.

روش: قناعت‌ورزی

یکی از راه‌های اعتدال‌ورزی به‌هنگام استفاده از مواهب طبیعی، پرهیز از اسراف و زیاده‌روی است. در آموزه‌های اسلامی، اسراف کلمه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود، یکی از مذموم‌ترین اعمال محسوب می‌شود و در آیات و روایات فراوانی از آن مذمت شده است. «و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد»^۲ (اعراف/۳۱). دانش‌آموزان باید بدانند که محافظت از زمین و محیط‌زیستمان جز با احتیاط و مراقبت کامل در مصرف، امکان‌پذیر نخواهد بود. امام موسی بن جعفر علیه‌السلام فرمودند: «کسی که در زندگی میانه‌روی و قناعت ورزد، نعمت او باقی می‌ماند و آن‌که با ریخت و پاش و اسراف زندگی کند، نعمتش از بین می‌رود» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۰: ۳۰۱). بنابر بیان مطالب فوق و اصل بالا روش تربیتی زیر را می‌توان استنتاج کرد:

اصل تربیتی: متربی باید بیاموزد که در استفاده از مواهب طبیعی چگونه اعتدال را رعایت کند.

گزاره روشی توصیفی: یکی از شیوه‌های اعتدال‌ورزی و پرهیز از اسراف است.

روش تربیتی: متربی باید بیاموزد که در بهره‌برداری از مواهب طبیعی، قناعت‌ورزی را پیشه خود

سازد.

۱ - وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

۲ - وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

جدول ۱: اصول و روش‌های تربیت مسئولیت‌پذیری در تعالیم اسلامی

حیطه‌های مسئولیت‌پذیری	اصول تربیتی مسئولیت‌پذیری	روش‌های تربیتی مسئولیت‌پذیری
۱. مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند	۱. آگاهی در عبادت ۲. آزادی در عبادت	۱. روش حضور و توجه قلبی ۲. توجه به وسع و توانایی متربی
۲. مسئولیت‌پذیری در برابر خود	۱. آراستن نفس به نیکی‌ها ۲. توجه به تندرستی ۳. تزکیه نفس ۴. آرامش قلبی	۱. تأمل در خویش ۲. فعالیت ۳. محاسبه نفس ۴. ذکر
۳. مسئولیت‌پذیری در برابر جامعه	۱. کار و کوشش ۲. احترام به حقوق دیگران	۱. مشارکت ۲. عدالت‌ورزی
۴. مسئولیت‌پذیری در برابر طبیعت و محیط‌زیست	۱. احترام به محیط‌زیست ۲. رعایت اعتدال در مصرف	۱. روش احیای طبیعت ۲. قناعت‌ورزی

نتیجه‌گیری

دوام و بقای هر جامعه انسانی به تربیت انسان‌هایی وابسته است که مسئولیت‌های گوناگونی را برعهده دارند. آنان باید این مسئولیت‌ها را بشناسند، بپذیرند و به آنها عمل کنند. درحالی‌که در گذشته، دامنه مسئولیت‌پذیری به مرزهای جغرافیایی محلی و ملی محدود می‌شد، در عصر کنونی در پرتو انقلاب ارتباطات دامنه آن از مرزهای ملی فراتر رفته و به عرصه‌های بین‌المللی رسیده است. امروزه بر همگان روشن شده است که چگونه سرنوشت آدمیان به یکدیگر گره خورده و در نتیجه آرامش و رفاه به مسئله‌ای جهانی تبدیل شده است. از این رو، وظایف نهادهای آموزشی نسبت به گذشته تفاوت یافته و آموزه‌هایی که به فعالیت‌های این نهادها مشروعیت می‌بخشد نیز، چهره‌ای جهانی یافته است. به‌سخن دیگر، اکنون نهادهای آموزشی در کنار آموزش وظایف محلی و ملی باید به وظایفی نیز بپردازند که انسان به‌عنوان شهروند جهان برعهده دارد. بر این اساس، ضروری است که آموزه‌های بینادینی که عرصه می‌شود از نوعی کلیت و جهان‌شمولی برخوردار باشد. مسئولیت‌پذیری یکی از اهداف مهم و میانی در تربیت اسلامی است. در این مقاله کوشش شد که ابعاد گوناگون و اصول و روش‌های تربیتی آن مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. نگاهی گذرا به بسیاری از منابع تربیت اسلامی، جز چند کتاب و کار پژوهشی، نشان می‌دهد که بحث درباره

اصول و مبانی تربیت اسلامی، معمولاً بدون هیچ روال منطقی مشخصی انجام می‌گیرد. این در حالی است که در تعیین اصول و روش‌های تربیتی، نیازمند فعالیت‌های روشمند هستیم. در این مقاله تلاش شده است که در استنتاج اصول و روش‌های تربیت مسئولیت‌پذیری از نوعی قیاس عملی استفاده شود. به همین منظور، آن دسته از آیات و روایاتی که با موضوع متناسب بودند، انتخاب شد و براساس میزان کلیت آنها به عنوان محتوای قیاس مورد استفاده قرار گرفت. پیامد این تلاش روشمند، استنتاج ۱۰ اصل و متناظر با آنها ۱۰ روش تربیتی مرتبط با حیطه‌های چهارگانه مسئولیت‌پذیری بوده است. همان‌گونه که جدول اصول و روش‌های تربیت مسئولیت‌پذیری نشان می‌دهد، برای حیطه مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند دو اصل آگاهی و آزادی در عبادت استنتاج و دو روش توجه به حضور و توجه قلبی و توجه به وسع و توانایی متربی پیشنهاد شد. متناسب با حیطه مسئولیت‌پذیری در برابر خود چهار اصل آراستن نفس و نیکی‌ها، توجه به تندرستی، ترکیه نفس، آرامش قلبی استنتاج و چهار روش متناظر با آنها، یعنی تأمل در خویش، فعالیت، محاسبه نفس و ذکر پیشنهاد شد. برای حیطه مسئولیت در برابر جامعه نیز دو اصل کار و کوشش و احترام به حقوق دیگران و دو روش تربیتی مشارکت و عدالت‌ورزی استنتاج شد. برای حیطه چهارم که به مسئولیت هر فرد مسلمانی نسبت به محیط‌زیست اشاره دارد نیز، دو اصل احترام به محیط‌زیست و رعایت اعتدال در مصرف و متناظر با آنها دو روش احیای طبیعت و قناعت‌ورزی استنتاج شد. در اینجا لازم است به نکته‌ای درباره تعداد اصول و روش‌های تربیتی که در این مقاله پیشنهاد شده است، اشاره شود. روشن است که تعداد اصول و روش‌ها می‌تواند بیش از این باشد. به سخن دیگر، در این باره که از درون آیات و روایات چند اصل و یا روش استخراج کرد، توافق همگانی وجود ندارد. آنچه سبب می‌شود چنین تفاوتی پدید آید، از یک سو به نوع نگرش محقق بستگی دارد و از سوی دیگر به تعداد آیات و روایاتی که مورد استفاده او قرار می‌گیرد. از این روست که محققین باب مطالعه بیشتر را در این حوزه همچنان گشوده می‌دانند و تلاش خود را تنها یک گام ناچیز در مطالعه و استنتاج روشمند اصول و روش‌های تربیتی، بر بنیاد تعالیم اسلامی قلمداد می‌کنند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۸)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم: اسوه
- نهج البلاغه (۱۳۹۱)، ترجمه محمد دشتی، تهران: پیام عدالت.
- اسحاقی، حسین (۱۳۸۵)، سلوک علوی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- اسحاقی، حسین (۱۳۸۶)، *ملکوت اخلاق*، قم: انتشارات مشعر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۰)، *تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام*، ترجمه بهراد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۸)، *نهج البلاغه*، قم: دارالعرفان.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگ مدرسه برهان: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، *رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم تربیت*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *گستره دین*، قم: اسراء.
- حاجی زاده، آورجه (۱۳۹۳)، *مسئولیت پذیری اجتماعی در قرآن کریم* با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان، *قرآن در آینه پژوهش*، سال ۱۲۵، ۱: ۱-۱۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵)، *وسایل الشیعه*، ۲۳ جلدی، اصفهان: نشر قائمیه.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، *تفسیر نورالثقلین*، مصحح: هاشم رسولی، ۵ جلدی، قم: نشر اسماعیلیان.
- حیدری، غلامحسین (۱۳۷۹)، *نهج الفصاحه*، ۲ جلدی، قم: مؤسسه انصاریان.
- خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۹۰)، *ترجمه قرآن کریم*، پیام پیامبر، تهران: دوستان.
- خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۴۶)، *شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم*، ۷ جلدی، تهران: انتشارات دانشگاه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، ج ۴، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۶۶)، *اعلام الدین فی صفات مؤمنین*، قم: آل بیت.
- راغب اصفهانی (۱۳۷۵)، *مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه: حسین خداپرست، ذیل واژه "سرف": ۴۲۵.
- رستمیان، علی (۱۳۹۳)، *مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام*. اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ساعی ارس، ایرج (۱۳۹۱)، *آموزش مطالعات اجتماعی (در دوره ابتدایی)*، چاپ چهارم، ویرایش اول، تهران: بهمن برنا.
- سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، *تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت پذیری در سبک زندگی اسلامی*. پایان نامه ارشد. دانشگاه شاهد تهران.
- صاحبی و همکاران (۱۳۹۴)، *تئوری انتخاب: رویکردی در جهت مسئولیت پذیری و تعهد اجتماعی*.
- صافی، احمد (۱۳۸۳)، *آموزش و پرورش ابتدایی راهنمایی تحصیلی و متوسطه*، تهران: سمت.
- طالبی و بهری پور (۱۳۹۳)، *بررسی میزان چگونگی جمع گرایی در مسئولیت پذیری اجتماعی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات.

- طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر طباطبایی، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طوسی، خواجه نصیرالدین محمدبن محمد (۱۴۱۴)، *قواعد العقاعد*، بیروت: نشر دارالغربیه.
- عارفی‌جو، مهدی (۱۳۸۵)، *خودانتقادی از منظر روایات*، اصفهان: مرکز تحقیقات قائمیه.
- فیروزآبادی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۱۵)، *القاموس المحيط*، ۴ جلدی، لبنان: دارالکتب علمیه.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه‌مرتضی (۱۳۷۲)، *المحجۃ‌البیضاء*، ترجمه محمدصادق عارف و محمدرضا عطایی، ۸ جلدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- قمی، شیخ‌عباس (۱۳۸۰)، *مفاتیح‌الجنان*، چاپ ۳، قم: باقری.
- کلینی، محمدیعقوب (۱۳۹۰)، *اصول کافی*، ج ۱، ترجمه و شرح محمدباقر کمره‌ای، چاپ دوازدهم، قم: انتشارات اسوه.
- کلینی، محمدیعقوب (۱۳۴۴)، *اصول کافی*، ترجمه مصطفوی، ۴ جلدی، تهران: انتشارات مسجد چهارده معصوم.
- کلینی، محمدیعقوب (۱۳۸۵)، *اصول کافی*، ۶ جلدی، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- لیثی واسطی، علی (۱۳۸۷) *محقق، مصحح: بیرجندی، حسین*، چاپ سوم، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، ۱۱۰ جلدی، بیروت: مؤسسه الوفا.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹)، *منتخب میزان‌الحکمه*، ۱۴ جلدی، قم: دارالحدیث.
- مصباح یزدی (۱۳۸۰)، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی: نشر بین‌الملل.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹)، *جهان‌بینی توحیدی*، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶)، *تفسیر نمونه*، ۲۷ جلدی، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- ملک‌زاده، محمدشریف (۱۳۸۴)، *مدیریت مشارکتی*، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، چاپ ۲، قم: فرهنگ اسلامی.
- واسطی زبیدی، محمدمرتضی (بی تا)، *تاج‌العروس من جواهرالقاموس*، ۸ جلدی، بیروت: دارالمکتبه‌الحیاه.
- هدایتی، فاتحی (۱۳۸۹)، *شیوه‌های فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری نوجوانان*، اصفهان: خانه معرفت.

